



صفحه یک از پانزدهم

## مقام معظم رهبری، حضرت آیت الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) موضوع: چرا ما می‌توانیم اما قرار نیست بتوانیم؟

**رهبر گرانقدر**، سلام علیکم من چندین نامه طی سال‌های متمادی و در دولت‌های مختلف برایتان فرستاده‌ام که می‌دانم به دست شما نرسیده است، انشاءالله عذر مرا درخصوص انتشار این نامه ببخیرید. اینجانب دارای ۳۷ سال سابقه تحقیقات، اختراعات، تولید ده‌ها محصول و دستاوردهای مختلف علمی به عمل می‌باشم. ایده‌های بنیادین و اختراعات من، طبق مستندات، امروز زیر ساخت آینده حمل و نقل و انرژی بشر می‌باشد که مورد استفاده کارخانجات معظم خودرو سازی نیز قرار گرفته است. همه این ادعاها و اسناد آن در فیلم انقلاب صنعتی پایدار (جمشید آریین) منتشر شده و از شما خواهش می‌کنم که حتماً این فیلم را مشاهده کنید.

رهبر عزیز، آیا شعارهای انقلابی، سخنان زیبا و ایده‌های راهبردی شما در جهت رسیدن به اهداف انقلاب به‌ثمر رسیده است؟

آیا ما امروز می‌توانیم پس از ۳۷ سال ادعای استقلال اقتصادی را داشته باشیم؟ امروز میزان وابستگی ما به خارج از کشور برای تأمین محصولات مصرفی مانند خودرو، لوازم خانگی، مایحتاج عمومی مردم و... در مقایسه با دهه اول انقلاب اسلامی دوران جنگ ایران و عراق و یا حتی در مقایسه با دوران قبل از انقلاب اسلامی با از بین بردن صنایع استراتژیک و جلوگیری از ایجاد و گسترش صنایع جدید راهبردی خیلی بیشتر شده است.

### خودرو یعنی صنعت و صنعت یعنی استقلال کشور

صنعت خودرو نقطه تلاقی تمام علوم است و هیچ کشوری بدون ورود به صنعت خودرو نتوانسته به اقتصاد پایدار برسد، مافیای خودرو صنعتی را که در زمان خود جلوتر از کره جنوبی بود و امروز می‌توانست رقیب مرسدس بنز، تویوتا و یا GM باشد را از بین برده‌اند و مردم را با مونتاژ اراجه‌های مرگ بنام پراید، سمند، سورن، دنا و اخیراً هم با مونتاژ خودروهای چینی و یا محصولات از رده خارج فرانسوی سرگرم می‌کنند.

خودروهایی که به دلیل غیر استاندارد بودن، سالیانه ده‌ها هزار نفر را در تصادفات شهری و برون شهری کشته و یا معلول می‌کنند؛ بطوری که آمار آن فقط در ۱۴ سال گذشته بیش از میزان کشته‌شدگان و معلولین جنگ تحمیلی ایران و عراق بوده است.

خودروهایی که میزان مصرف سوخت آن بین ۳۵٪ الی ۸۰٪ بیشتر از خودروهای روز دنیا می‌باشد و این یعنی سوزاندن حداقل ۲۸ میلیون لیتر بنزین روزانه بیشتر از استانداردها، از سرمایه ملی کشور! و مهم‌تر از آن، تولید بیشتر گازهای سمی CO<sub>2</sub> مرگ آور و سرطان زا که سالیانه ده‌ها هزار نفر بدلیل آلودگی هوا بخصوص در تهران و کلان شهرها کشته می‌شوند و میلیون‌ها نفر هم در معرض انواع بیماری‌های تنفسی، سردرد و... قرار می‌گیرند.

حقیر با ۳۷ سال سابقه تحقیقات علمی و صنعتی در صنایع خودرو از سال ۱۳۵۸ تاکنون با پروانه بهره برداری از وزارت صنایع در ایران و همچنین در کشورهایی مانند استرالیا، آمریکا، بلژیک، هلند و آلمان را دارا می‌باشم. بعلاوه، بیشترین علم و تجربه را در زمینه خودروهای الکتریک و هایبیرید الکتریک هوشمند و ایستگاه‌های شارژ، با ده‌ها دستاورد و محصول به عمل دارم. طبق اسناد منتشر شده در فیلم مستند انقلاب صنعتی پایدار (قسمت اول)، ایده‌ها و اختراعات من امروز از زیر ساخت‌های سیستم حمل و نقل آینده بشر می‌باشد که متأسفانه توسط مافیای خودرو، با تعطیل نمودن کارخانه‌هایم از کشور، صادر شده است.





ماfiای خودرو در ایران با محصولات غیر استاندارد بیش از هشتاد درصد قطعات و مواد اولیه خود را از چین ، فرانسه و دیگر کشورها با سیاستها ، روشها و عناوین دروغین ساخت داخل تامین میکنند. وزارت صنایع و راهبران اتاق فکر خودرو در کشورمان طی 37 سال گذشته نخواستند و نتوانستند که تولید کننده خودرو شوند و ما امروز چیزی بنام صنعت خودرو نداریم. که ادعای خودروی ملی را داشته باشیم.

**در سراسر جهان و همهٔ خودروسازان جهان حداقل دارای پنج بخش اصلی میباشد:**

**طراحی Design** توسعه و گسترش Development، تولید Prouduction، بازاریابی Marketing و فروش Sale مهمترین و اصلی ترین پیکره خودرو سازی ابتدا طراحی خودرو میباشدو این در حالیهست که ما اصلا طی 37 سال گذشته طراحی خودرو و پلت فرم و طراحی موتور انجام نداده ایم ( طراحی سمند یا طراحی قوای محرکه خودرو ما توسط شرکتهای دست دوم خارجی با بیشترین هزینه و پایینترین تکنولوژی صورت گرفته شده است ) عناوین آن در چارت سازمانی تحت عنوان مرکز تحقیقات ایران خودرو و سایپا با بیش از ۱۰۰۰ نیروی انسانی وجود دارد اما تا کنون هیچ خودرویی بطور کامل در ایران طراحی و تولید صنعتی نشده است

**در بخش توسعه و گسترش** که با وجود بخش طراحی معنا پیدا میکند و نیازمند زیرساختهای متعددی میباشد تا بتواند یک ایده و طراحی جدید خودرو را تبدیل به یک محصول نهایی نماید ، تاکنون ما هیچ محصولی را از طراحی تا مرحله توسعه و گسترش طی ننمودیم چرا که ما هیچکدام از نیازمندی های طراحی و ساخت پلت فرم را ایجاد نکرده ایم ، اصلا کارخانه ی خودروسازی که نتواند خود خودرو را طراحی کند و پلت فرم بسازد ، خودروساز نیست و کسی که خودروساز نباشد نمیتواند خودرو ملی تولید کند. یعنی 37 سال اقایان فقط ادعا میکنند و مسئولین محترم دولت هم آنرا تأیید میکنند.

**رهبر عزیز، آیا این همان استقلال اقتصادی و اقتصاد مقاومتی مور نظر شماست؟** پشت این ماfiای خودرو چه کسانی قرار دارند؟

اجازه دهید صنایع کلیدی و استراتژیک دیگری را هم برایتان مثال بزنم. هر چند که سوگلی صنعت ایران، صنایع خودرو است.

**صنایع نساجی:** ابزارهای متعلق به ۶۰۰۰ سال پیش در ایران، حاکی از آن است که ما از فن ریسندگی و تبدیل پشم به نخ آگاه بوده ایم. نخستین نشانه ها از وجود پارچه، متعلق به ۴۰۰۰ سال ق. م در شوش بدست آمده است. در دوران بعد از کریمخان زند، که امیرکبیر پای بر عرصه مدیریت کشور نهاد، برحسب معاهده تجارتهی که با سایر کشورها بسته شده بود، از آمدن اجناس آنها به ایران جلوگیری نکردند. ولی در عین حال جنس خارجی را مردود می دانست و لباس مملکت خود را برتن می کرد. قبل از امیرکبیر، لباس سربازها از ماهوت انگلیسی تهیه می شد ولی برای تعالی رشد و توسعه داخلی، امیرکبیر دستور داد که لباس نظامیان از چوقای پشمین مازندران تهیه شود. امیر کبیر در ایجاد و گسترش صنایع نساجی، کارهای بسیار بزرگی انجام داد که از آن جمله ایجاد صنایع نوین در زمینه نساجی، یک کارخانه بزرگ نخریسی و یک کارخانه بزرگ چلواربافی در تهران و چند کارخانه حریر بافی در کاشان و یک کارخانه ریسندگی در ساری بوده است.

صنایع نساجی در تمام دنیا در رأس صنایع اشتغال زایی قرار دارد. پایه عصر صنعتی در کشورهایی چون انگلیس، آسیای جنوب شرقی، از صنعت نساجی نهاده شده است. کشور ما نیز از این قاعده مستثنا نبود؛ نخستین کارخانه نساجی در ایران در سال ۱۳۰۵ در اصفهان به بهره برداری رسیده است و در سال ۱۳۰۹ نیز کارخانه نساجی مازندران به بهره برداری رسید. من از این کارخانه در سال ۱۳۶۲ بازدید داشتم، اما متأسفانه سالهاست که به لانه پرنندگان تبدیل شده است و بقیه کارخانجات نساجی ما نیز بجای توسعه و گسترش و بروز شدن با تکنولوژی روز، یا بسته شده اند یا در رکود به سر می برند.





صفحه سوم از پانزدهم

## رهبر عزیز، چرا صنایع استراتژیک و اشتغالزای نساجی ایران از بین رفته و یا کمرنگ شده است؟

**صنایع الکترونیک:** صنایع الکترونیک یا میکرو الکترونیک، شامل انواع نیمه هادی‌ها مانند ترانزیستور، خازن یا آی‌سی که برای اولین بار در کشور ما در سال ۱۳۵۴ اساسنامه کارخانه آن تصویب و در سالهای ۱۳۵۶-۱۳۵۷ به تولید رسید و من شخصاً از ترانزیستور و آی سی ایرانی در تولید بردها و دستگاه‌های الکترونیک کارخانه خود در آن دوره استفاده نموده‌ام. تولید بردها و دستگاه‌های الکترونیک زیر ساخت صنایع الکترونیک نیستند بلکه جزء صنایع تکمیلی محسوب می‌شوند. امروز با گذشت نزدیک به چهل سال از تولید اولین قطعات الکترونیک در صنایع الکترونیک شیراز، می‌توان گفت صنعت میکرو الکترونیک در ایران وجود ندارد و ما در کشور به هیچ عنوان تولید چیپ‌های میکروالکترونیک (IC) نداریم. هم اکنون بازار داخلی در دست شرکت‌های خارجی است که این بازار در 3 ساله آینده حدود 20 میلیارد دلار ارز از کشور خارج خواهد کرد. در حال حاضر بیشتر صنایع از جمله صنعت خودرو به خاطر قطعات الکترونیکی به خارج وابسته هستند که این لزوم توجه به صنعت میکروالکترونیک را دو چندان می‌کند. اکنون، پس از چهل سال، نه تنها ما این صنعت را به تناسب نیاز و پیشرفت‌های تکنولوژی گسترش ندادیم و آنرا تعطیل نمودیم، بلکه تازه در برجام ادعا شده که صنعت میکروالکترونیک از خط قرمزهای بزرگ در تحریم‌های غرب است و طبق توافق انجام شده نیز تحریم‌های میکروالکترونیک تا 10 سال آینده برداشته نشده و ادامه خواهد داشت.

**رهبر عزیز،** بیش از ۵۰ درصد نفرت اول کنکور در رشته‌های مرتبط با میکروالکترونیک به دلیل نداشتن بازار کار و حمایت‌های داخلی از کشور مهاجرت می‌کنند؛ به طوری که در حال حاضر 10 درصد درآمد آمریکا از صنعت میکروالکترونیک به دانشمندان ایرانی اختصاص دارد!!  
**رهبر عزیز،** مگر اولین شعار و آرمان انقلاب اسلامی، استقلال که با استقلال اقتصادی بدست می‌آید نبود؟ آیا هدف انقلاب، صادرات فکر و فرار مغزها با از بین بردن صنایع کلیدی و استراتژیک در کشورمان بوده است؟

## تولید داخل یا ساخت ایران چیست؟

بطور کلی، محصولی که حداقل ۸۵٪ الی ۱۰۰٪ مواد اولیه آن در داخل کشور تأمین شود، می‌تواند تولید داخل محسوب گردد. امروز یک دانشجوی سال اول دانشگاه هم می‌داند که تولید تلویزیون فقط مونتاژ برد و بستن پیچ و مهره نیست؛ بلکه تا کشوری دارای صنایع میکروالکترونیک نباشد نمی‌تواند ادعای تولید تلویزیون بکند. یعنی ریاست ستاد اقتصاد مقاومتی و وزیر صنایع با همه مشاورانشان این را نمی‌دانند؟! متأسفانه شاهدیم که حضور سامسونگ در کشورمان با حمایت جدی دولتمردان ایران صورت پذیرفته است. معاون اول رییس جمهور و رئیس ستاد اقتصاد مقاومتی و وزیر صنایع، طی یکماه دو بار از سامسونگ بازدید و هر دو مقام عالیرتبه اعلام نمودند این کار در راستای اقتصاد مقاومتی می‌باشد!  
ابتدا زیرساخت‌های اولیه تکنولوژی، صنایع استراتژیک میکروالکترونیک در ایران از سال ۱۳۵۹ بصورت فرسایشی از بین برده می‌شوند، و امروز در دوران اقتصاد مقاومتی، دولتمردان با وارد کردن یک برند و نام بزرگ تجاری سامسونگ با عنوان انتقال تکنولوژی امتیاز مونتاژ و بازار بزرگ محصولات خانگی را برای چند دهه واگذار می‌کنند!

**رهبر عزیز، انتقال تکنولوژی چیست؟** این عبارت، اولین بار در قرارداد پژو فرانسه با ایران بکار گرفته شد و من معنی آنرا در عمل تجربه کرده‌ام. در زمانی که در یکی از کارخانه‌های شیشه بالابر برقی را هم تولید می‌کردیم، متوجه شدم نقشه‌های فرانسوی اشتباه و از تاریخ گذشته می‌باشند. گیربکس قطعه تولیدی از جنس آلومینیوم بود که به لحاظ دوام، کیفیت و هزینه مناسب نبود و ما با ساخت قالب‌ها، گیربکس جدید را پلاستیکی ساختیم و زمانی که با ایران خودرو در مورد الزام این تغییر و اصلاح صحبت کردیم، گفتند نمی‌شود





صفحه چهارم از پانزدهم

چون فرانسوی‌ها مخالفت نموده‌اند! وقتی بیشتر تحقیق کردیم، متوجه شدم بله خود فرانسوی‌ها هم متوجه این عیب‌ها شده‌اند و در محصولات جدید عیب را رفع کرده‌اند اما عمداً به ایرانی‌ها نقشه‌های قدیمی و از رده خارج را می‌دهند و حتی به بهانه کنترل کیفیت، جلوی ایجاد و رشد تکنولوژی را هم در ایران می‌گیرند؛ البته توسط عوامل خودشان در ایران خودرو و سایپا! یعنی اتاق فکر و مدیران خودروی ایران هم این موضوع و خیانت‌ها را می‌دانستند و می‌دانند و البته این همه داستان نیست، اگر کارخانه شما می‌خواست رشد کند، باید رشوه هم پرداخت می‌کرد! در غیراینصورت مانند ما حذف می‌شد.  
رهبر گرانقدر، من حاصل ۳۷ سال تحقیق، تولید و تجربه خود را خدمت شما عرض می‌کنم:

عنوان انتقال تکنولوژی، زمانی در ایران استفاده شده و می‌شود که قرار است چیزی مانند مواد مخدر (هروئین) را بجای دارو وارد کشور کنند. یعنی دقیقاً زمانی که قرار نیست ما به تکنولوژی دسترسی پیدا کنیم، اینگونه خیانت‌ها به دست واسطه‌های ایرانی تحت عنوان «انتقال تکنولوژی» صورت می‌گیرد.  
این خیانت‌های بزرگ در کشوری مانند ایران به دلیل وجود عناصر ضعیف و خائن در بدنه دولتهایمان همیشه جریان داشته و متأسفانه امروز هم بیشتر و آشکارا صورت می‌گیرد؛ بخصوص در صنایع کلیدی مانند خودرو، انرژی، گاز و نفت و حتی لوازم خانگی.

رهبر گرانقدر، فکرها و مغزهای زیادی را از کشورمان طی ۳۷ سال گذشته صادر کرده‌ایم؛ اما هنوز بسیاری از دانشجویان، نخبگان، دانشمندان، روشنفکران، نویسندگان و هنرمندان و حتی بیشتر رزمندگانی که در جبهه‌های واقعی حضور داشته و دارند در کشور هستند که می‌دانند، می‌فهمند و از همه این ماجراهای پشت پرده و خیانت‌ها خبر دارند. معنی استقلال اقتصادی و اقتصاد مقاومتی را هم می‌دانند، اما نمی‌گذارند صدایشان شنیده شود یا فقط بدلیل عشق به شما ترجیح می‌دهند سکوت کنند.

در روزگاری که رئیس جمهور ما اولین تفاهمنامه را در نخستین روزهای مثلاً اجرایی شدن برجام با شرکت فرانسوی پژو، که با مشارکت و خیانت مدیران مافیای خودروی ایران ۲۷ سال ما را از دسترسی به بزرگترین و استراتژیکترین صنعت خودرو محروم نمودند، منعقد می‌نماید. صنعتی که می‌توانست امروز درآمدهای ارزی آن بیش از درآمد حاصل از فروش نفت باشد!  
زمانیکه معاون اول رییس جمهور و رئیس ستاد اقتصاد مقاومتی و وزیر صنایع، در روز روشن به هشتاد میلیون ایرانی تولید داخلی و اقتصاد مقاومتی اقدام و عمل را «سامسونگ» معرفی می‌کنند!

### چرا همین مقامات دولتی در مناسبت‌های مختلف، مانند هفته دولت، مورد قدردانی قرار می‌گیرند؟!

جنابعالی در تاریخ سی ام بهمن ماه سال ۱۳۹۲ سیاست‌های کلی «اقتصاد مقاومتی» را به مسئولان ایرانی ابلاغ کرده‌اید. از همان ابتدای اعلام اقتصاد مقاومتی از طرف جنابعالی، سیاستمداران و شرکت‌های خارجی به ایران دعوت شدند، بطوریکه تا کنون چنین حجم سفرهای مقامات و فعالان اقتصادی کشورهای خارجی از یک کشور نه تنها در ایران سابقه نداشته است، بلکه من در خارج از این مرز و بوم هم ندیده بودم!  
سپس، هنگامی که جنابعالی هیچ اثری از اقتصاد مقاومتی را در کشور ملاحظه نکردید، اعلام نمودید از روند پیشرفت اقتصاد مقاومتی راضی نیستید و مردم هم هیچ آثاری از آن در زندگی خود مشاهده نکردند. اینبار جنابعالی با تأکید بیشتر، سال ۱۳۹۵ را سال اقتصاد مقاومتی اقدام و عمل نامگذاری فرمودید.  
دو ماه پس از این نامگذاری، مردم اولین اقدام و عمل را تجربه کردند! دو نوبت بازدید معاون اول رییس جمهور و رییس ستاد اقتصاد مقاومتی و وزیر صنایع کشور از شرکت سامسونگ در کمتر از یک ماه!





صفحه پنجم از پانزدهم

**آیا ما می‌توانیم سال ۱۳۹۶ را هم سال اقتصاد مقاومتی، بهره‌وری و بهره‌برداری نامگذاری کنیم؟**  
چون خودروهای از رده خارج فرانسوی بار دیگر با عنوان انتقال تکنولوژی در کشورمان به بهره‌برداری می‌رسند تا ۳۷ سال دیگر ما را مدیریت کنند! چون محصولات سامسونگ کره جنوبی به بهره‌برداری می‌رسند تا تولید واقعی لوازم خانگی در ایران به فراموشی سپرده شود و یا با مونتاژ خودروهای چینی با ادعای طراحی و پلت فرم داخلی و یا ادعای راه اندازی خط تولید خودروهای الکتریک و هایبرید الکتریک در کشور با واردات از چین و فرانسه، اقتصاد مقاومتی بهره‌وری و بهره‌برداری تحقق می‌یابد. اینها سناریوی فریب افکار عمومی با خیانت‌های مسئولینی در بدنه نظام می‌باشد.

**رهبر گرانقدر، ممکن است تعریف جدیدی از تولید داخل و اقتصاد مقاومتی داشته باشیم؟**  
آیا فرهنگستان زبان که واژه‌های علمی را چنان تغییر می‌دهد، گویی که توسط این فرهنگستان ابداع و اختراع شده، بهتر نیست در مور تعریف اقتصاد مقاومتی جهت روشن شدن اذهان عمومی اقدامی کند؟ و صد البته منظور حقیر تعبیر و تفسیر به حرف نیست، که همه می‌دانند، بلکه آنچه در عمل توسط دولت‌مردان ایران صورت می‌گیرد را عنوان کند تا خدای نکرده ریا و فریب افکار عمومی تلقی نشود.

**رهبر گرانقدر، حقیر به دنبال پاسخ سؤال تاریخی چرا ما می‌توانیم اما قرار نیست بتوانیم با راهنمایی شما هستیم.**  
ابتدا اجازه دهید عرض کنم چرا صنایع کلیدی که در ایران ایجاد و در حال گسترش بودند، مانند صنایع نساجی ایران، صنایع میکروالکترونیک ایران، صنایع خودروسازی ایران و... از بین رفته یا کمرنگ شدند؟

آیا از بین بردن صنایع کلیدی کشور یک هدف از پیش تعیین شده بوده و اگر چنین بوده، هدف چه کسانی بوده است؟ شلید این در صلاحیت من نباشد که پاسخ دهم، اما اینکه چگونه این اتفاق افتاده است می‌تواند در تخصص و تجربه من باشد.

در ایران با خیانت عده‌ای در بدنه نظام، سهواً یا عمداً، صنایع کلیدی و استراتژیکی که سنگ بنا و سابقه آن در کشور از سالیان گذشته بوده است، از بین برده شده و یا در رکود قرار گرفتند و حتی از ایجاد و گسترش دیگر صنایع استراتژیک کلیدی مانند انقلاب صنعتی پاک پایدار شامل سیستم‌های حمل و نقل و انرژی‌های پاک پایدار نیز جلوگیری شده است.  
با بروز انقلاب اسلامی، این صنایع کلیدی در بخش‌هایی مانند خودرو، صنایع الکترونیک، صنایع نساجی و... مصادره و تحت کنترل دولت درآمد که متأسفانه با بکارگیری مدیران نالایق و ناکارآمد طی بیش از سه دهه این صنایع کلیدی بجای گسترش، تعطیل و یا به سراشیبی رکود افتاده و یا از مسیر اصلی منحرف شدند.

همه ما می‌دانیم فرقی نمی‌کند که یک کارخانه پنج نفر پرسنل داشته باشد، یا پانصد هزار نفر پرسنل؛ یک نفر و فقط یک نفر درست می‌تواند در جای خودش آباد کند و بسازد و یا ویران کند. در مواردی مانند صنایع خودرو، این فرد فقط یک متخصص با همه تجارب در مدیریت نمی‌باشد، بلکه حتی می‌بایست در کار خود یک نابغه هم باشد.  
فقط یک نفر درست می‌توانست ایران خودرو و یا سایپای ۳۷ سال پیش را تبدیل به صنایعی عظیم‌تر از کیا و هیوندایی کره جنوبی نماید که محصولاتش امروز با مرسدس بنز و جی ام آمریکا رقابت کند تا بازار آمریکا و اروپا را هم داشته باشیم و بدینگونه ایران امروز نیاز به حراج و واگذار کردن میدین گازی و نفتی خود به بهانه صادرات نداشت. این حرف آقای خیامی، بنیانگذار ایران خودرو، هم هست که اگر من بودم امروز ایران نیاز به پول نفت نداشت!

**چرا پس از گذشت ۳۷ سال و جابجایی ده‌ها مدیرعامل، هنوز این یک نفر پیدا نشده است؟ قرار نیست پیدا شود؟**







صفحه هفتم از پانزدهم

این واردات قاچاق توسط خواهرزاده استاندار گیلان با حمایت دولت مدیریت می‌شود و نماینده رهبری هم در استان گیلان مشغول ساخت بزرگترین پروژه آنهم پاساژ در شهر رشت در راستای اقتصاد مقاومتی می‌باشد! تا محصولات همین کانتینرهای وارداتی در آنجا بفروش برسد. نماینده رهبری در استان گیلان!

**رهبر عزیز**، یک زمانی در گیلان لامپی، باطری، انواع لوازم خانگی، صنایع نساجی، صنایع چوب و کاغذ و... داشتیم. اکنون همه آنها توسط مدیران بی‌لیاقت دولتی از بین رفته و یا فقط تبدیل به بنگاهی برای واردات محصولات چینی، هر دو کارخانه من هم بدلیل عدم پرداخت رشوه به مافیای خودرو و به دلیل هدفی که در راستای ایجاد و گسترش تکنولوژی صنایع کلیدی و استراتژیک سیستم‌های حمل و نقل و انرژی‌های پاک پایدار داشته‌ام، تعطیل شده است.

امروز حتی بعضی کارمندان کارخانه‌ها در کنار خیابان می‌ایستند و می‌گویند اتاق خالی! این شرم آور است. مهندس الکترونیک من آرایشگر شده! مدیر تولیدی را می‌شناسم که مواد مخدر مصرف می‌کند و مسافرکشی می‌کند. بجای صدها کارخانه واقعی که تعطیل شده‌اند، حداقل بیست برابر آن واحدهای بساط قلیان و مشروبات الکلی و مواد مخدر در سراسر استان گیلان دایر شده است.

مصرف مواد مخدر در قشر جوانان بطور غیر عادی رشد کرده و در حال گسترش می‌باشد به اندازه‌ای که شما می‌توانید این فاجعه انسانی را در سطح جامعه در محیط‌های کاری و اجتماعی بصورت آشکارا ببینید. حال آنکه در هیچکدام از دوران گذشته مصرف مواد مخدر در زندگی و رفتارهای اجتماعی با این شدت در سطح جامعه رواج دیده نمی‌شد.

**آیا مردم حق دارند امروز، پس از نزدیک به چهار دهه، به دنبال ثمرات انقلاب اسلامی باشند؟**  
در حالیکه امروز می‌بایست ما با شعارها و اهداف انقلاب اسلامی ایران از سال ۱۳۵۷ تاکنون با گسترش همان صنایع و کارخانجات موجود و همچنین با ایجاد و گسترش صنایع جدید در استان گیلان صدها هزار نفر را به اشتغال درآورده و از فرار مغزها و ایجاد شغل‌های کاذب نیز جلوگیری می‌کردیم. بجای صف‌های چندین کیلومتری واردات از طریق گمرک منطقه آزاد، می‌بایست محصولات استان گیلان به دیگر کشورها صادر می‌شد.

**رهبر عزیز**، همه این وقایع تلخ در استان گیلان را در یک سفر غیر رسمی تشریف بیاورید و از نزدیک ببینید. ما کامل‌ترین قانون اساسی جهان را داریم و در رأس آن ولایت فقیه که جنابعالی بعنوان عالی‌ترین مقام و قدرت در جمهوری اسلامی هستید و می‌توانید در صورت لزوم رئیس جمهور را هم عزل کنید. جنابعالی بعنوان رهبری فرزانه بطور دقیق و حساب شده با سخنان زیبا، تعیین خط مشی‌ها و با انتشار اسناد راهبردی در اقتصاد، صنعت، محیط زیست و... در اداره امور کشور حضور دارید.

**رهبر عزیز و فرزانه، شما خود بهتر می‌دانید که نظارت و ضمانت بر اجرای فرمایشات شما توسط خود شما مهم می‌باشد.** مطابق قانون اساسی، ولایت فقیه ناظر و تعیین کننده رفتار قوه مجریه، رئیس جمهور و قوه قضائیه می‌باشد و تا زمانیکه مجازات و یا عزلی صورت نگیرد این روند کماکان ادامه دارد.

روزی یکی از دلسوزان نظام که متوجه نشدم مرا تهدید می‌کرد و یا نصیحت، اینطور گفتند:  
این چیزها مسئولیت آقا نیست. آقا که می‌گویند، آنها عمل نمی‌کنند. این وظیفه دولت است و آقا نمی‌خواهد دخالت در کار دولت کند. منتظر بمانید، این دولت نشد دولت بعدی می‌آید، شاید بشود!  
یعنی ما، همه ملت ایران، هر چهار یا هشت سال منتظر یک رئیس جمهور باشیم که او هم بیاید و بگوید همه مشکلات مربوط به دولت قبلی است و این داستان تا چند دهه همینطور تکرار شود؟





صفحه هشتم از پانزدهم

وقتی من به این دلسوز نظام گفتم اتفاقاً مطابق قانون اساسی واصل ولایت فقیه اگر رئیس جمهور و یا هر مقامی در کشور تخطی کند، ولایت فقیه به جدیت می‌تواند وارد شود و حتی عزل و مجازات نماید و این نعمت جمهوری اسلامی است، چرا که ما ولایت فقیه داریم. این دلسوز نظام فرمودند: بین خودمان باشد، واقعیت این است که بیش از ۵۰٪ از مردم و مسئولین با اصلاح طلب‌ها هستند و آقا نمی‌خواهند وارد شوند چون آشوب می‌شود!

خدمتشان عرض کردم همان پنجاه درصد از کسانی که می‌گویی از اصلاح طلبان هستند، اگر آقا اشاره کنند رئیس جمهور یا هر اصلاح طلبی که مقابل خواست رهبر بایستد را پایین می‌آورند و اصلاً نیازی نیست حتی اصولگرایان به طرفداری از آقا وارد شوند، در اینجا بنظم این دلسوز نظام کم آورد و رفت.

رهبر عزیز، همه مردم می‌دانند که شما محبوب‌ترین و قدرتمندترین شخصیت نظام هستید. فرقی نمی‌کند اصولگرا باشد و یا اصلاح طلب و یا اصلاً هیچکدام دیگر. اگر شما بخواهید، اکثریت مردم یکصدا در کنار شما هستند. شما ۳۷ سال است این واقعیت را در انتخابات دیده‌اید و شاید نیمی از مردم ایران هم نه اصولگرا باشند و نه اصلاح طلب. آنها فقط ایرانی هستند و خواستار عدالت، سعادت، صلح و دوستی، یکدلی و یکپارچگی و پیشرفت کشورشان می‌باشند و به دلیل علاقه به شما در انتخابات بصورت گسترده شرکت می‌کنند. رهبر گرانقدر، اشکال کار کجاست؟ اصولگرا، اصلاح طلبان، آقای روحانی و یا آقای رئیسانی ... شما آراء اکثریت مردم را دارید و عالیترین مقام جمهوری اسلامی ایران می‌باشید اینطور که همه مردم سر کارند و در حاشیه سرگرم هستند و در عمل دیگر کشورها با سرعت و جدیت در علم و تکنولوژی با رشد و شکوفایی صنایع و ایجاد اشتغال و رفاه مردم حرکت می‌کنند،

اجازه بفرمایید رفتار امیر کبیر را با رئیس جمهور و ریاست ستاد اقتصاد مقاومتی مورد تأیید شما مقایسه کنیم.

اقتصاد ملی در برخورد با اقتصاد استعمار بعبارتی جمله‌ای متفاوت با اقتصاد مقاومتی اما با یک معناست: امیر کبیر در حدود ۱۳۰ سال پیش، بدون شعار بلکه به عمل، صنعت داخلی را ترقی داد و صادرات را افزایش داد و بازار کالای فرنگی را نیز محدود نمود. اساس اقتصاد بازرگانی خارجی ما هم در آن دوران بر آزادی تجارت قرار گرفته بود، که توسط نظام سرمایه‌داری انگلیس و روس بر ما تحمیل شده بود. ارقام اصلی تجارت ما را واردات و صادرات به سه کشور انگلیس، روسیه و عثمانی تشکیل می‌داد. اما از نظر کیفیت و کمیت، تعادل و هماهنگی وجود نداشت و امیرکبیر جلوی این واردات بی‌رویه را گرفت. مثلاً در زمان محمدشاه کالای وارداتی ایران از انگلیس به سالی یک میلیون لیره رسید. بعد از میزان آن کاسته شد و در سال ۱۲۶۷، واردات در زمان **صدارت امیرکبیر به نصف تقلیل یافت.**

میرزا تقی خان امیرکبیر، صدر اعظم ایران در دوره قاجار، به منظور بسط صنایع، سرمایه کافی در اختیار اهل فن گذاشت و کارخانجات شکرریزی در ساری و چدن‌ریزی و نساجی را در مازندران به وجود آورد تا در حوزه اقتصاد بنیادهای نظری و عملیاتی نوینی را وارد معادلات ذهنی مازندران کند. **امیر کبیر، نخستین عصرآفرین اقتصادی ایران** به واسطه از خودگذشتگی که در راه آبادی ایران نشان داد و تلاش‌های صادقانه‌ای که در حمایت از اقتصاد داخلی کرد را شایسته است که امروزه با عنوان «**مرد میهن**» خطاب کنیم.

از امیر کبیر پرسیدند: در مدت زمان محدودی که داشتی چطور این مملکت را از هرچه دزد پاک کردی؟ ایشان گفتند: من خود دزدی نمی‌کردم و نمی‌گذاشتم معاونم هم دزدی کند. او هم از این که من نمی‌گذاشتم دزدی کند، نمی‌گذاشت معاونش دزدی کند و تا آخر همین طور...

اگر من دزدی می‌کردم، تا آخر دزدی می‌کردند و کشور می‌شد دزدخانه. همه هم دنبال دزد می‌گشتیم و چون همه ما دزد بودیم هیچ دزدی را هم محکوم نمی‌کردیم!







امیرکبیر، با دو حربه کاری به پیکار برخاست: یکی با درستی و پاکدامنی خودش که قانون برانداختن رشومخواری را نهاد و دیگر، با سیاست سختی که به قانونش نیروی اجرائی بخشید. اساساً نظم میرزا تقی‌خانی آفریده همین دو عامل بود، یعنی وضع قانون و ضمانت اجرای آن.

### امروز مرد میهن ما کیست؟

رهبر عزیز، آیا مرد میهن ما، رئیس جمهور و هیئت دولت و ریاست ستاد اقتصاد مقاومتی است؟ عملکرد آنان در سه سال گذشته دقیقاً برعکس امیرکبیر بدون ادعا و شعار اقتصاد مقاومتی بوده است. امیرکبیر واردات را نصف کرد و صادرات را افزایش داد و مردان میهن ما در قوه مجریه، واردات ما را آنهم در شرایط رکود اقتصادی و تحریم، افزایش و صادرات ما را کاهش داده‌اند!

دولتی که با دروغ به مردم، سطح شعور مردم با خودش را یکسان می‌بیند و صادرات میعانانات گازی را در آمار رسمی خود بعنوان صادرات غیر نفتی اعلام می‌کند! این دروغ و ریا ریشه در کجا دارد؟ عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز رفتار دولت درباره نحوه محاسبه آمار صادرات غیرنفتی را نادرست و اعلام فرمودند دولت صادرات میعانانات گازی و پتروشیمی را جزو صادرات غیرنفتی محاسبه می‌کند. **مردان میهن ما خود دروغگو هستند و دروغ خود از نشانه‌های فساد می‌باشد.** میعانانات گازی و نفت محصولات صادراتی نیستند که در آمار دولت دیده می‌شود،

رهبر عزیز، چرا از نظر سازمان شفافیت بین الملل ایران از نظر فساد داخلی (رشوه خواری، رفیق بازی، دزد سالاری، اقتصاددانی فساد، اختلاس بصورت قانونی، خویشاوند سالاری، زیر سیبلی، زرسالاری) در زمره فاسد ترین کشورهای جهان قرار دارد؟ چرا نام کشور ما با تمدن چند هزارساله و باعنوان حکومت جمهوری اسلامی از نظر فسادهای داخلی میبایست در کنار کشورهای فقیری در آفریقا یا امریکای لاتین قرار بگیرد. در کشوری که همه قوانین، عناوین و سازمان‌ها برای مبارزه با مفاسد اقتصادی وجود دارد، هیچکس دستگیر و مجازات و اعدام نشده و نمی‌شود؟ مگر بصورت محدود و رسانه ای، فیش‌های حقوقی که زره‌ای از دریا هستند. اما چرا کسانی که علت این فساد بودند، مشخص نمی‌شوند و مردم سرگرم معلول، یعنی دریافت کنندگان این حقوق می‌شوند؟

آیا این هم تاکتیک است که فسادها و خیانت‌ها کشف و افشاء می‌شوند، اما مسئولین نظام در مفاسد اقتصادی و قوه قضائیه سری تکان می‌دهند و اظهار تأسف می‌نمایند و اگر لازم شود دلسوزی هم برای مردم می‌کنند، اما هیچکس در نهایت مجازات نمی‌شود؟! شما تاکنون شنیده‌اید که حتی یکی از مدیران ایران خودرو و یا سایپا و یا وزیران ما مجازات شوند؟ صناعی که غرق در فساد مالی هستند و حتی گزارش چند صد صفحه‌ای فسادشان توسط کمیسیون اصل ۹۰ مجلس هیچگاه در قوه قضائیه باز هم نشد! صناعی که با محصولات غیر استاندارد بدلیل تولید آلودگی هوای بیشتر و یا در تصادفات، بیش از جنگ ایران و عراق مردم را کشته و یا معلول و یا بیمار کرده است. صناعی که می‌توانست امروز جایگزین درآمدهای نفتی ما باشد و از فرار مغزهای ده‌ها هزار نخبه ایرانی جلوگیری کند. صناعی که می‌توانست بیش از سه میلیون نفر اشتغال ایجاد کند و...

### رهبر عزیز چرا قانون اجرا نمی‌شود؟

خدای نکرده مردم ایران سر کار نباشند؟ چون هنوز و هر روز مردم ما سرگرم می‌شوند با انتخابات، مذاکرات هسته‌ای 5+1 با منهای یک، برجام، پسابرجام، برجام دو، FATF، فردا هم دوباره انتخابات و... اینها سرگرمی نباشند تا ما از اصل موضوع که سازندگی است و استفاده از فرصت‌ها با استفاده از علوم و فنون در پیشرفت کشورمیباشند در حقیقت جا بمانیم. مگر مملکت نباید در مسیر آبادانی و پیشرفت قرار گیرد؟ اما چگونه؟ با تشویق به فرار مغزها، تشویق و ترویج رشوه و فساد در همه کارهای زیر بنایی و امورات کشور؟





صفحه دهم از پانزدهم

امروز هنوز مردم پرآید آشفال سی سال پیش کره را سوار می‌شوند، بیش از نود درصد لوازم خانگی مردم از چین و کره و کشورهای دیگر تأمین می‌شود، امروز در همه منازل مردم و در بیت شما هم از کولر سانسونگ و ال جی استفاده می‌شود، بیش از نود درصد نخ و پارچه و لباس ما فرنگی است، بیکاری بیش از سی درصد می‌باشد تا خود عاملی برای فرار مغزها باشد تا نخبگان و دانشگاهیان و متخصصین ما مجبور به خروج از کشور شوند و آنها هم که نمیتوانند و موقعیت آنرا پیدا نمی‌کنند در مشاغل کاذب قرار گیرند تا همه استعدادها یشان بسوزد و از بین برود.

اگر قرار بود که ما با سخنرانیها ، دو هزار و پانصد شرکت دانش بنیان، که بیشتر برای نمایش در روزهای خاص و رسانه‌ها مدیریت می‌شوند، و تفاهنامه با دانشگاه و ۳۷ سال سابقه درخشان وزارت صنایع و بازرگانی، افتتاح و سفرهای استانی و نمایشگاه دستاوردها و... مملکتان درست می‌شد که تا امروز شده بود! هفتاد سال است که از تولید انبوه میکروفون می‌گذرد و ما هنوز در میکروفون های خارجی فریاد می‌زنیم.

### رهبر عزیز، چرا ایران در فرار مغزها پیشتاز و رتبه اول در جهان را دارد؟ Human capital flight

بیشتر نخبه‌های ما به آمریکا و اروپا و اخیراً هم دبی و ترکیه و آسیای شرقی و... رفته اند و می‌روند. طبق آمار صندوق بین المللی پول کشورمان از نظر فرار مغزها در بین ۹۱ کشور جهان رتبه اول را دارد! سالانه تا ۱۸۰ هزار نفر با تحصیلات عالی از کشور خارج میشوند، بنیاد نخبگان ایران اعلام کرد ۳۰۸ نفر از دارندگان مدال المپیاد و ۳۵۰ نفر از برترینهای آزمون سراسری فقط طی سالهای ۸۲ تا ۸۶ به خارج مهاجرت کردند، سازمان مدیریت اعلام کرده ۹۰ نفر از ۱۲۵ دانش آموز در سه سال گذشته که در المپیادها رتبه کسب کردند هم اکنون در دانشگاههای امریکا تحصیل میکنند بدینترتیب ما با فاجعه فرار مغزها ۳۰۰ برابر بیشتر از جنگ ایران و عراق به اقتصاد کشور صدمه زده ایم و با تشویق به مهاجرت بیش از ۷ میلیون نفر میانگین هوش ایرانیان را بشدت تقلیل داده ایم ،

دولتمردان ما ابتدا نخبگان ما را از کشور صادر میکنند و سپس با موفقیت این عزیزان و کسب جوایز ارزشمند بطور مثال از رئیس جمهور ایالات متحده امریکا پرزیدنت اوباما آنوقت تازه برایشان پیام تبریک هم می فرستند ! ( پیامهای تبریک رئیس جمهور و معاون فناوری ما به دانشجوی دانشگاه شریف خانم مریم میرزاخانی دانشمند ایرانی که بدلیل سیاستهای دولت ایران مانند صد ها هزار نفر دیگر به امریکا مهاجرت نمودند ) در حالیکه موفقیت‌های هزاران نخبه ایرانی در امریکا و اروپا افتخار همان کشورهایی است که خواستند و توانستند استعدادها و نبوغ هموطنانمان را کشف ، جذب و بکار گیرند و برای مسئولین ما فقط باعث خجالت و سر افکنگی است که بدلیل عدم آماده نمودن بسترهای تحقیقات علمی ، توسعه و تولیدات با ایجاد و گسترش صنایع کلیدی در حقیقت خود باعث راهنمایی و تشویق فرار مغزها گردیدند و در مواردی هم که ایده ها و اختراعات کلیدی و استراتژیک بودند که در مورد خودم اتفاق افتاده است با تهدید از کشور خارج شدم.

البته این فعالیتهای هدایت شده بگونه ای است که مواردی هم برای ادعا ، نمایش و فریب افکار عمومی وجود داشته باشد که بیشتر در علم پزشکی متمرکز میشود که ارتباطی با صنایع کلیدی و استراتژیک مانند صنایع خودرو و یا صنایع میکروالکترونیک و ..... هم ندارد.

فرار مغزها و مهاجرت بیش از هفت میلیون نفر در یک جمعیت هشتاد میلیونی آنهم با اکثریتی از جامعه نخبگان و دانشگاهیان در آمار اعلام شده حاکی از یک حرکت حساب شده و هدایت شده میباشد ، رهبر عزیز این حرکت از کجا هدایت میشود ؟





**رهبر گرانقدر**، من به شما اطمینان می‌دهم ذخائر زیر زمینی ما که در دورانی پول‌هایش را بجای سرمایه‌گذاری در ایجاد و گسترش صنایع استراتژیک و کلیدی می‌بایست سرمایه‌گذاری می‌کردیم، با اشتباهات اقتصادی و یا فسادهای اقتصادی و خیانت‌ها سوزاندیم، در آینده‌ای نزدیک که به عمر ما کفایت نمی‌کند ارزش و بازار خود را هم از دست می‌دهد. آنچه آن دکتر بیسواد در محیط زیست ما در پاریس امضاء نمود، تنها گوشه‌ای از حرکت و انقلابی است که توسط کشورهای توسعه یافته صنعتی جهان در زمینه انرژی و سیستم حمل و نقل بشر دارد اتفاق می‌افتد می‌باشد.

من به دولت جمهوری اسلامی پانزده سال پیش اعلام و خواهش کردم که اجازه دهند من وارد تکنولوژی سیستم‌های حمل و نقل و انرژی‌های پاک پایدار شویم: "آینده، الکتریک است". سند زنده آن، مصاحبه من در گفتگوی ویژه خبری شبکه دوم صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۸۱ می‌باشد که قسمتهای مهم آن نیز در فیلم ۵۵ دقیقه ای انقلاب صنعتی پایدار قسنت اول آماده است.

من گفتم و گفته‌هایم، نظریات و ایده‌های علمی من امروز با اجرا و گسترش در جهان به اثبات رسیده است. امروز دقیقاً همان ایده‌ها و اختراعات کلیدی زیر ساخت آینده انرژی و سیستم‌های حمل و نقل جهان می‌باشد، امروز کمپانی معظم تسلا آمریکا بزرگترین کارخانه خودروی الکتریک دنیا در ایالات متحده آمریکا پس از دوازده سال از اختراع اولین خودروی هوشمند الکتریک آریانا ۷۹۲ در کارخانه ام (آزمین خودرو) ایران دقیقاً همان تکنولوژی و متد تامین انرژی را برای محصولات خود انتخاب نموده است و در اروپا هم کشورهایی مانند دانمارک، آلمان، هلند و حتی هند و بقیه کشورهای گروه G20 اعلام نمودند که:

از سال ۲۰۲۵ دیگر فروش خودروهای سوختی در کشورشان ممنوع می‌باشد و تلاش خود را نیز در تولید و تامین صد در صد انرژی موردنیاز کشورشان از انرژی‌های پاک تجدید پذیر مانند باد و خورشید صورت می‌دهند. همه زیرساخت‌های این تحول و انقلاب در حمل و نقل و انرژی به سرعت در حال ایجاد و گسترش می‌باشد و این یعنی عدم نیاز کشورهای توسعه یافته صنعتی در اروپا و آمریکا و حتی آسیا به سوخت‌های فسیلی و پایان دوران نفت قبل از آنکه ذخائر زیر زمینی ما تمام شود. آثار این تحول و انقلاب انرژی و حمل و نقل از همین امروز در اقتصاد ما و جهان دیده می‌شود و هر سال هم اوضاع برای کشورهای وابسته به نفت و گاز بخصوص ایران بحرانی تر خواهد شد.

این پیش بینی و آینده نگری بهمراه ایده‌ها و اختراعات آن پانزده سال پیش از سال ۱۳۸۱ شمسی توسط حقیر به دولت (سازمان محیط زیست، وزارت صنایع و وزارت نفت) ارائه و با تبدیل ایده‌ها به اختراعات و سپس به محصولات متعدد به عمل به اثبات هم رسید، همانطور که پیامبر اکرم (ص) که فرموده اند، علمی بکار آید که به عمل باشد.

یعنی دولت ایران با بی اعتنایی و سپس با تهدید و فشار یک اشتباه بزرگ استراتژیک یا یک خیانت ملی هدایت شده توسط مافیای خودرو را بدون در نظر گرفتن منافع ملی کشورمان با در خطر انداختن سلامتی و حیات مردم و از دست دادن ۱۵ سال زمان صورت داده است. مرا در کشورم و در دولت‌های مختلف تهدید کردند، در حکم ظلم نمودند و در ادامه هم شاید مرا بکشند. ظلم پایدار نمی‌ماند و البته میدانم کاری هم از من ساخته نیست، من در این مبارزه برای وطن خیلی چیزهایم را از دست داده‌ام بجز حس وفاداری به کشورم را. اگر چه نتوانستم این ظلم و خیانتها را از بین ببرم اما میتوانم رسوای شان کنم و این خود انجام وظیفه‌ای است که امام راحل همیشه آنرا تأکید داشتند.





اکنون با انتشار این نامه خدمت مقام معظم رهبری عرض می‌کنم دولت ایران با محاسباتی که بوی خیانت در آن می‌آید، و یا در نگاه خوشبینانه بدون محاسبات می‌باشد، با تکیه بر میعانات گازی و نفت در حقیقت حیات و آینده مردم کشور ایران را در معرض خطر جدی قرار داده است.

با تکیه بر میعانات گازی و نفت و بدون توجه به ایده “ انقلاب صنعتی پایدار ”، در حقیقت قتل عام فرزندان و نسل‌های بعدی را با گسترش آلودگی هوا در تهران و کلان شهرهای ایران، ریزگردها، خشکسالی و بی آبی و مهم‌تر از همه، بدون ایجاد زیر ساخت‌ها و سرمایه‌گذاری در صنایع کلیدی و استراتژیک نیز بیکاری عظیم همراه با هرج و مرج در کشورمان رقم زده خواهد شد.

این گفته من شبیه به همان گفته‌هایی است که پانزده سال پیش خیلی ملایم‌تر در گفتگوی ویژه خبری شبکه دوم صدا و سیما به دولت ایران گفتم و نخواستند بشنوند تا امروز مردم عذاب، گرفتاری و بدبختی‌های این خیانت‌های مسئولین را با بحران‌های مالی، بیکاری و آلودگی هوا در زندگی خود داشته باشند.

امسال سازمان محیط زیست ایران پیشنهاد تعطیلی دو هفته‌ای مدارس را به هیئت دولت ارائه نمود! یعنی یک نفر در دولت پیدا نمیشود که عقلش برسد با تعطیلی مدارس مشکل و بحران جدی آلودگی هوا حل نمیشود و این بازی و فریب افکار عمومی میباشد.

واردات خودروهای الکتریک و هایبیرید از چین ، فرانسه و کره جنوبی بصورت CBU or CKD و یا با عناوین دروغین راه اندازی خط تولید و ساخت داخل به‌مراه تفاهمنامه های بدون اصالت و غیر تخصصی توسط مدیران و مسئولین ناکارآمد از بازیهای مافیای خودرو با همکاری سازمان محیط زیست ، وزارت صنایع و وزارت نفت میباشد که مردم ۲۷ سال آنرا در خودروهای بنزینی تجربه کرده اند و نتیجه این نمایشها و اقدامات فقط افزایش آلاینده‌ها هر روز بیشتر از روز دیگر و افزایش بیکاری و افزایش فرار مغزها و وابستگی کشورمان شده است.

رهبر گرانقدر، آیا امروز ایران نیاز به یک انقلاب صنعتی پایدار ندارد؟

چرا در کشورهای آمریکا، انگلستان، آلمان، ژاپن، فرانسه، و دیگر کشورهای توسعه یافته صنعتی جهان ایده‌های بزرگ در حفظ منافع ملی کشورشان بثمر می‌رسد، اما در ایران خیر؟

رهبر عزیز، چرا ما می‌توانیم اما قرار نیست بتوانیم؟

زمانی که جنابعالی و همه آحاد جامعه ما این استقلال اقتصادی، تولید داخلی، ساخت ایران و غرور ملی را می‌خواهند، پس چه کسانی نمی‌خواهند که تا این اندازه هم قدرت دارند و موفق هم شده‌اند؟! رهبر گرانقدر، ما حقیقت را از چه کسی باید بشنویم؟

اگر مقام معظم رهبری، دست افراد خائن در بین دولتمردان و مفاسد اقتصادی را که نمی‌خواهند، نمی‌گذارند و مجازات هم نمی‌شوند، کوتاه کنند، ما می‌توانیم با ورود به انقلاب صنعتی پایدار به رهبری آن مقام معظم به آرمان‌های انقلاب اسلامی «استقلال اقتصادی» برسیم.





## انقلاب صنعتی پایدار ، امیدی برای سازندگی و آبادانی کشورمان

دوازده راهکار اصلی در قالب نیازمندی‌های یک انقلاب صنعتی پایدار وجود دارد تا به استقلال اقتصادی و رشد و شکوفایی صنعتی برسیم. ما با اصلاحات و تغییر و ایجاد مجموعه‌ای از قوانین جدید راهبردی در قالب یک انقلاب صنعتی پایدار می‌توانیم طی سه تا پنج سال به اهداف عالی ذیل برسیم:

- ۱- ایجاد، گسترش و تولید ایده‌ها، اختراعات و تکنولوژی‌ها در صنایع نوین حمل و نقل و انرژی‌های پاک پایدار (خودروهای هوشمند الکتریک iEV و خودروهای هوشمند هایبیرید الکتریک iHEV و ایستگاه‌های شارژ هوشمند iCS و انرژی‌های تجدید پذیر) با مشارکت دانشجویان، نخبگان و دانشمندان ایرانی با عنوان انقلاب صنعتی پایدار.
- ۲- جلوگیری از فرار مغزها با ایجاد بیش از سه میلیون شغل در صنایع خودرو و صنایع وابسته و انرژی‌های پاک (تجدید پذیر) خودروهای الکتریک و هایبیرید الکتریک هوشمند و ایستگاه‌های شارژ هوشمند) در کشور ایران با مشارکت و بکارگیری بیش از ۵۰۰۰ دانشجو و نخبه از دانشگاه‌های سراسر ایران از ابتدای آغاز پروژه.
- ۳- جلوگیری از بروز انقلاب آلودگی هوا که با گسترش آلودگی هوای تهران و کلان شهرهای ایران باعث مرگ ده‌ها هزار نفر و بیماری‌های خطرناک میلیون‌ها نفر خواهد شد، به‌مراه هزاران میلیارد دلار هزینه‌های سلامتی مردم.
- ۴- کاهش مصرف حداقل ۲۸ میلیون لیتر بنزین روزانه در ایران، با کاهش بین ۳۰٪ الی تا ۴۰٪ مصرف سوخت‌های فسیلی طی سه تا پنج سال از آغاز انقلاب صنعتی پایدار که باعث کاهش تولید سالیانه حداقل ۲۴ میلیون تن از گازهای سمی دی اکسید کربن و دیگر آلاینده‌های هوا در کشور می‌شود.
- ۵- جلوگیری از ورود به بحران آلودگی صوتی در تهران و کلان شهرهای ایران و هزینه‌های سلامتی مردم.
- ۶- جلوگیری از تأثیر بیشتر تحریم‌ها با وابستگی بیشتر و در خطر افتادن استقلال اقتصادی و سیاسی کشور.
- ۷- ارتقاء سطح علمی دانشگاه‌ها و ایجاد رشته‌های جدید در زمینه‌های انرژی و سیستم‌های حمل و نقل پاک پایدار.
- ۸- صادرات به جای واردات و ایجاد افتخار و غرور ملی (ساخت ایران).
- ۹- ایجاد رفاه و شادابی بیشتر مردم با ایجاد اشتغال، سلامتی روحی در محیط زیست پاک.
- ۱۰- اشتغال بیش از سه میلیون نفر بخصوص از فارغ التحصیلان دانشگاه‌ها در طی پنج سال در صنایع جدید.

در صورتیکه ایده‌ها ، اختراعات و راهکارهای حقیر مورد توجه و موافقت مقام معظم رهبری قرار گیرد من به‌مراه پنج هزار دانشجوی نخبه از دانشگاه‌های سراسر کشور همه دستاوردها و نتایج اعلام شده بالا را در انقلاب صنعتی پایدار تضمین می‌کنیم.





رهبر عزیز ، چرا از ایجاد و گسترش صنایع کلیدی و استراتژیک خودروهای پاک، نسل آینده سیستم‌های حمل و نقل خودروهای الکتریک و هایبیرید الکتریک و انرژی‌های پاک پایدار، و صنایع وابسته به آن توسط مافیای خودرو در ایران جلوگیری گردید و ایده‌ها و اختراعات آن نیز صادر شد؟ چرا دو کارخانه من تعطیل شدند؟ چرا تهدید بارها مجبور به خروج از کشور شدم؟ چرا با زور و ظلم، حقوق مالکیت معنوی و مادی من زیر پا گذاشته شده و حتی اموالم در تصرف و تخریب قرار گرفت؟ چرا مافیای خودروی ایران با حمایت سازمان محیط زیست، وزارت صنایع و وزارت نفت، در حق من ظلم‌های زیادی روا داشتند؟ چرا حقیر بعنوان بنیانگذار تکنولوژی سیستم‌های حمل و نقل و انرژی‌های پاک پایدار با همه این سوابق علمی در کنار ۳۷ سال تلاش شبانه روزی که خدای من شاهد است روزانه تا هجده ساعت کار کرده‌ام و درعین وفاداری به قانون اساسی و ولایت فقیه در همه شرایط در کشورم و چهار قاره جهان، بدون هیچ گرایش و یا سابقه سیاسی با ثبات و مستقل عمل کرده‌ام، مورد بیشترین بی مهری و ظلم توسط دولت خودم قرار گرفتم!

### چون پیشنهادات ذیل را قبول نکردم ؟

**پیشنهاد اول:** پس از طراحی و تولید اولین خودروی هوشمند الکتریک در کارخانه‌ام در گیلان، پیشنهاد از طرف سایپا و ایران خودرو برای پرداخت رشوه بمنظور ادامه فعالیت در قراردادهای جدید بجای تولید خودروهای الکتریک را نپذیرفتم.

**پیشنهاد دوم:** همکاری‌های اقتصادی با عناوین واردات تکنولوژی و یا ساخت محصولات پرتوتایپ صرفاً برای نمایش با افتتاح این دستاوردها توسط مقامات عالیرتبه به مناسبت‌های مختلف ،نمونه‌های تحقیقاتی بدون آنکه در خط تولید انبوه قرار گیرد صرفاً جهت نمایش و فریب افکار عمومی را نپذیرفتم.

**پیشنهاد سوم:** در حضور وزیر و معاون وزیر توسط یک واسطه قوی اینطور اعلام شد: آقای آراین به شما منافع ملی هیچ ربطی ندارد، مملکت رهبر دارد و رئیس جمهور، شما چه کاره هستید؟ من فقط گوش دادم تا دیرتر نتیجه را ببینم و دیدم، آنها اعلام کردند خودروی الکتریک را فراموش کن، مافیای خودرو نمی گذارد اما ما با تولید ماشین مرس که در کلاس اسکوتر یا یک موتوسیکت می‌باشد موافقیم. اما متأسفانه شخص واسطه در زمانیکه وارد دفتر من در آلمان شد اعلام کرد که شما بعنوان واسطه و دلال نفتی در اروپا برای ما فعالیت کنید؛ کاری ساده با درآمدهای میلیون یورویی! هدف آنها چه بوده است؟ آیا هدفشان تولید ماشین مرس نبوده یا از همان مرس هم می‌ترسیدند!

بهرحال من پیشنهاد دلالی نفت را را نپذیرفتم و حتی امروز هم توسط همان تیم تحت فشار قرار دارم.

**پیشنهاد چهارم:** از طرف بستگان یکی از معاونین رئیس جمهور بمنظور راه اندازی خط تولید خودروهای الکتریک در ایران البته در ظاهر و در عمل واردات محصول و شاید گاهی اوقات مونتاژ محصولات از کشورهای چین و فرانسه با فریب افکار عمومی و استفاده از عناوین دروغین اقتصاد مقاومتی و تولید داخل بود که نپذیرفتم.

**رهبر گرانقدر، اینکه هیچکدام از این پیشنهادات را نپذیرفتم اشتباه، گناه یا جرم من می‌باشد؟**

تاکنون پنج بار ممنوع الخروج شدم، تاکنون دو بار تهدید به مرگ با پیشنهاد خروج از کشور شده‌ام. یکی از کارخانه‌هایم تصرف، تخریب و با ممانعت ازحق قفل شده است وکارخانه دوم من هم تحت کنترل مافیا می‌باشد.تنها خانه من هم در تهران هم در کنترل می‌باشد.

خانم ابتکار، معاون رئیس جمهور و ریاست سازمان محیط زیست، نامه خیانت خود را که اعلام نمود «خودروهای الکتریک هیچگونه آینده‌ای ندارند» را حاشا می‌کند و از من شکایت نموده است.

امروز همان کسانی که ایده‌ها و اختراعات مرا صادر کرده‌اند، عصبانی و ناراحت توسط معاون رئیس جمهور و ریاست سازمان محیط زیست به اختراعاتم توهین هم می‌کنند و هر بار هم توسط مافیا با پرونده سازی در دادگاه‌ها یا بدهکار و یا ممنوع الخروج می‌شوم! هفته گذشته واسطه ای از مافیای خودرو پیام داد : یا با مایی و یا بدون ما !





همین امروز یک پیام صوتی دریافت کردم که در آن من تهدید میشوم تا این نامه که برای رسیدن به اقتصاد مقاومتی و تولید میباید را انتشار ندهم! چون تشویش اذهان عمومی و جرم برانگیختن و امنیت ملی میشود! آیا بیان واقعیت‌هایی که دلائل از بین بردن صنایعی که داشتیم و صنایعی که میبایست طی این سالها ایجاد میکردیم و نکردیم تا باعث بیکاری، فرار مغزها و وابستگی بیشتر کشور به فرنگیها بیش از هر زمان دیگری شده ایم جرم امنیت ملی است؟ آنهم از طرف کسی که جزء سوابق علمی دارای ایده، ایدئولوژی و یا سابقه سیاسی و حزبی تاکنون نبوده است؟ رهبر عزیز، هر بار که به کشورم می‌آیم، باید نگران پاسپورت خود باشم و اینکه فردا کدام دادگاه باید بروم؟! شاکیان من عبارتند از مدیر عامل ایران خودرو، سایپا، خواهرزاده استاندار گیلان و ریاست منطقه آزاد یا آن دلال نفتی و یا معاون رییس جمهور و ریاست سازمان محیط زیست و یا سایر افرادی که فردا معلوم نیست کیستند!

در یکی از این سفرهایم به ایران، یکی از هموطنان که در هواپیما با من همسفر بود گفت رستوران دیسکو خود را در آمریکا فروخته و صرفاً برای عیش و نوش به ایران می‌آید، هرچه دلش خواست هم از حکومت آخوندی به اصطلاح خودش گفت تا آدمیم قسمت کنترل پاسپورت، با خوش آمد گویی مأمور کنترل او رد شد اما من متوقف و پاسپورتم ضبط شد! دوباره دادگاه و دوباره تهدید! در این اوقات یاد حرف آن برادرمان می‌افتد: آقای آریین منافع ملی به تو چه!

من فقط نخواستم رشوه بدهم و بگیرم. فقط خواستم ایده و اختراع را برای کشورم بشمر برسانم تا نسل‌های بعدی بدانند هنوز غیرت و وفاداری، وطن پرستی و وفاداری، عشق و محبت و وفاداری نسبت به خاک و وطن وجود دارد. من فقط خواستم ایده‌ها و تکنولوژی‌های کلیدی و استراتژیکی را که می‌تواند سرنوشت مردم مرا تغییر و جایگاه ایران را در جهان بهتر و تثبیت کند را در کشورم پیاده کنم.

**رهبر عزیز، من در فیلم مستند انقلاب صنعتی پایدار (قسمت اول) با مستندات ثابت کرده‌ام که چطور در جمهوری اسلامی ایران مافیای خیانتکار و فاسد جلوی کار بزرگی را گرفتند. امروز همان مسئولینی که این خیانت را مرتکب و قبول ندارند باید در یک مناظره تلویزیونی زنده بیایند و در مقابل مردم از خودشان دفاع کنند.**

رهبر فرزانه، آیا راز زندگی و خدمت کردن به مردم در کشورم، دروغ و فساد و رشوه است آیا شما تایید میکنید ایران جایی است که اگر بخواهی آبادش کنی خانه ات را خراب میکنند و اگر بخواهی خانه ات را آباد کنی میبایست در ویرانی مملکت خودت سهیم باشی؟ و اگر خیر چرا اموالم در تصرف است و کارخانه هایم ویران و تعطیل شده تا در فشارهای مالی قرار گیرم و تن به این فسادها و خیانت‌ها دهم؟ تا دیروز به خود می‌گفتم رهبر اطلاع ندارند. اما امروز خیالم راحت شده است. رهبر عزیز، نمی‌خواهم با همه این ظلم‌ها و بی حرمتی‌ها یک آدم سیاسی شوم. بخصوص حالا که در خاک خود هم به دلیل تهدیدها و فشارها بسر نمی‌برم. از شما خواهش می‌کنم در مقابل این مافیا و ظلمی که در حق من شده است وارد شوید.

اگر باز با انتشار این نامه خسارات و حقوق معنوی و مادی من جبران نگرند. اگر باز با انتشار این نامه دولت نخواهد وارد این تکنولوژی بطور اصولی گردد و مافیای خودرو مانند ۳۷ سال گذشته با فریب مردم با همان خیانتها و نمایشها با نام تولید، انتقال تکنولوژی و اقتصاد مقاومتی همچنان میخواهد مردم را سرکار بگذارد، ما باید منتظر انقلاب آلودگی هوا، بیکاری و فرار مغزهای بیشتری باشیم.

در دنیای مادی، نتیجه ۳۷ سال تحقیق و تولید من فقط دو کارخانه و خانه کوچکی در تهران است که برای خانواده‌ام مطالبه می‌کنم، نه برای خودم. مافیای خودرو آنها را در تصرف و در کنترل دارند، حق مرا بدهند، پانزده سال به قوه قضائیه و مجریه مراجعه نمودم و امروز که به شما گفتم، یعنی مسئولیت شرعی و قانونیش را به شما واگذار کردم.

در دنیای معنویت و علم، در مورد ایده‌ها و اختراعاتم، هر زمان که صلاح باشد من برای خدمتگذاری آماده‌ام تا همه دستاوردهای انقلاب صنعتی پایدار (صفحه سیزدهم) را با راهبری شما برای کشور انجام و تضمین مینمایم. امید ما به آینده با مشارکت جوانان و دانشجویان و بکارگیری علوم در سازندگی و آبادانی ایران بوجود می‌آید.

ارادتمند : جمشید ارین اصل

ایده پرداز ، تئورسین انقلاب صنعتی پایدار

محقق ، مخترع خودرهای هوشمند الکتریک در جهان

سی ام شهریور ماه سال ۱۳۹۵ آلسدروف آلمان

